

به نام خدا

درآمدی بر ظرفیت‌های معطل مانده قانون اساسی در حوزه فرهنگ

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۵.....	ظرفیت‌های معطل مانده قانون اساسی در حوزه فرهنگ
۲۱.....	نتیجه‌گیری
۲۴.....	منابع و مآخذ

کد موضوعی: ۲۷۰

شماره مسلسل: ۹۶۱۴

دفتر: مطالعات فرهنگی

اردیبهشت ماه ۱۳۸۸



درآمدی بر ظرفیت‌های معطل مانده قانون اساسی در حوزه فرهنگ

چکیده

از ظرفیت‌های معطل مانده قانون اساسی در حوزه فرهنگ برداشت‌های گوناگون و متفاوتی وجود دارد. نظر به اینکه مخاطب نوشتار حاضر دستگاه قانون‌گذاری است، تلقی محدود و کاربردی از ظرفیت‌های فرهنگی معطل مانده برای توجه دستگاه قانون‌گذاری کشور مدنظر قرار گرفته است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین ظرفیت‌هایی در حوزه فرهنگ است که برخی از آنها قوانین و آیین‌نامه‌های اجرایی اثربخش و کارایی ندارند که از آن جمله می‌توان مواردی چون احترام به حریم خصوصی افراد (اصول ۲۲، ۲۳ و ۲۵)، احترام به مالکیت فکری افراد (اصول ۲۲ و ۴۶)، امر به معروف و نهی از منکر (اصل ۸)، تربیت بدنی رایگان برای همه (بند «۳» اصل ۳)، هیئت منصفه (اصل ۱۶۸)، وسایل ارتباط جمعی (اصول ۲۴ و ۱۷۵)، میراث فرهنگی (اصل ۸۳)، اهتمام به خانواده (اصل ۱۰) و بازیابی جایگاه زنان (مقدمه و بند «۱» اصل ۲۱) را نام برد. اجرایی شدن ظرفیت‌های قانون اساسی در حوزه فرهنگ، اهتمام بیش از پیش قانون‌گذاران به تحقق اهداف قانون اساسی را می‌طلبد.

مقدمه

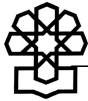
محور همه قوانین، مقررات، ساختار نظام و پایه حکومت اسلامی و ولایی و نیز سند قانونی بودن حاکمیت در سطح ملی و بین‌المللی و مبنای نظم اجتماعی و انسجام ملی در جامعه و نظام، قانون اساسی است.

بدین جهت حضرت امام (ره) بر اجرای دقیق قانون اساسی و حرکت براساس آن تأکید و حساسیت داشته‌اند، چنان‌که طی نامه‌ای به نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌نویسند: «ان شاء الله تصمیم دارم در تمام زمینه‌ها وضع به‌صورتی پیش بیاید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم».^۱

اما قراین و شواهد حکایت از آن دارند که برخی اصول و ظرفیت‌های قانون اساسی تاکنون به‌طور کامل محقق نشده‌اند که این موارد از ظرفیت‌های معطل مانده قانون اساسی به‌شمار می‌روند. استخراج، گردآوری، توصیف و تحلیل ظرفیت‌های معطل مانده این قانون مستلزم روشن شدن تعریف چند مفهوم پیچیده است. از این‌رو، قبل از ورود به اصل موضوع، ضروری است، گستره معنایی این مفاهیم را کاویده و تعریفی عملیاتی و روشن از آنها ارائه دهیم. این مفاهیم عبارتند از: مفهوم ظرفیت فرهنگی قانون اساسی و مفهوم معطل ماندن یک ظرفیت قانون اساسی.

۱. گستردگی مفهوم ظرفیت فرهنگی به‌دلیل گستردگی مفهوم فرهنگ است؛ زیرا طبق رویکرد فراخ‌نگرانه به فرهنگ، تمام بخش‌های قانون اساسی از مقدمه تا انتها یک

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۵۷، رهنمود امام خمینی (ره) در پاسخ به استفسار جمعی از نمایندگان مجلس درخصوص کیفیت کار و محدوده اختیارات مجمع تشخیص مصلحت نظام.





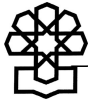
بیانیه فرهنگی جهت اداره امور کشور محسوب می‌شود^۱ و برخلاف اصول و فصول اقتصادی یا سیاسی قانون اساسی که با عنوان روشن و صریح متمایز شده‌اند، در قانون اساسی بحث مستقلی به نام فرهنگ طرح نشده است. به عنوان نمونه فصل چهارم (اصول ۴۳ تا ۵۵) قانون اساسی با عنوان «اقتصاد و امور مالی» مشخصاً ظرفیت‌های اقتصادی قانون اساسی را بیان داشته‌اند، اما در مورد فرهنگ تنها در فصل اول که شامل چهارده اصل است، به دین و مذهب رسمی ایران و در فصل دوم، زبان، خط، تاریخ رسمی و پرچم رسمی کشور اشاره شده است. لکن نمی‌توان سطح فرهنگ یک کشور را به دین رسمی، زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی تقلیل داد یا به دلالت‌های ضمنی مستتر در حقوق ملت اکتفا کرد.^۲

در مجموع با توجه به اینکه نگاه قانون اساسی به فرهنگ صریح و متمایز نیست، به ناچار و با ملاحظه محدودیت‌های مخاطبان این تحقیق از تعاریف گسترده فرهنگ از جمله مقوله‌بندی‌های بین‌المللی (مانند یونسکو) و تعاریف آکادمیک، به تعریف عملیاتی و رویه موجود در دستگاه قانون‌گذاری و نیز مقوله‌بندی کمیسیون فرهنگی مجلس به لحاظ کمیته‌های داخلی و نیز تقسیم‌بندی‌هایی که در محاسبه بودجه سالیانه انجام می‌شود، اکتفا کرده و براین اساس ظرفیت فرهنگی در قانون اساسی بازخوانی می‌شود.

۲. معطل ماندن یک اصل یا ظرفیت نیز دارای مفهومی گسترده است؛ زیرا اجرای قانون اساسی امری آنی و دفعی نیست که به مجرد تصویب و لازم‌الاجرا شدن یک

۱. عبارت مقدمه قانون اساسی مؤید همین نظر است: «رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزش‌های والا و جهانشمول اسلامی پرورش یابد».

۲. عماد افروغ، هویت ایرانی و حقوق فرهنگی، سوره مهر، ص ۱۵۴.



ظرفیت، کلاً و دفعتاً تحقق پیدا کند و همه ظرفیت معطل مانده به فعلیت برسد. بلکه اجرای قانون اساسی امری مرحله‌ای و تدریجی است که از وضعیت موجود شروع می‌شود و به سوی وضعیت مطلوب حرکت می‌کند و به تدریج در زمان معقول به نقطه مطلوب و استاندارد می‌رسد، اگر در هر اصلی از قانون اساسی این پیشرفت معقول و حرکت تکاملی وجود داشته باشد و فاصله وضعیت موجود با وضعیت مطلوب به تدریج کمتر شود می‌توان آن را اجرای اصل تلقی کرد.^۱

از آنجا که مخاطب این گزارش دستگاه قانون‌گذاری است؛ لذا به معنای محدود از مفهوم معطل ماندن ظرفیت قانون اساسی که معطوف به وظایف این دستگاه است اکتفا می‌شود.

در این گزارش فهرستی از خلأها، کاستی‌ها یا موارد فقدان قانون که مطابق قانون اساسی می‌بایست در مورد آنها قوانین عادی تنظیم می‌شد، احصا شده و در کنار هریک برای روشن شدن موضوع، توضیحات مختصری آمده است. ناگفته پیداست تحلیل این محورها و ارائه رهیافت و راهکار قانونی یا سیاستی به تناسب دستور کار دستگاه تقنین نیازمند انجام پژوهش‌ها و مطالعات تکمیلی است.

نظربه مراتب یادشده، متن قانون اساسی از مقدمه تا انتها بازخوانی^۲ و کلیه مواردی که طبق تعریف مصطلح در حوزه فرهنگ قرار داشت، استخراج شد. فرازها، اصل یا اصولی که قابلیت آن را داشته است تا به عنوان یک ظرفیت شناسایی شوند،

۱. هاشم‌زاده هریسی، درآمدی بر مسئله نقض و عدم اجرای قانون اساسی، حقوق اساسی، سال دوم، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۳، ص ۳۱۰-۳۲۴.

۲. لازم به یادآوری است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برخلاف قوانین اساسی نهادی یا جوهری دارای ویژگی هنجاری است. بنابراین نه تنها اصول آن، بلکه مقدمه آن نیز لازم‌الاجراست.



گردآوری و در کنار قوانین و مصوبات مجلس شورای اسلامی، به تناسب هر ظرفیت بررسی و در مجموع به شرحی که در گزارش خواهد آمد، ارائه شده‌اند.

ظرفیت‌های معطل مانده قانون اساسی در حوزه فرهنگ

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی است.^۱ این قانون حاوی زمینه‌ها و ظرفیت‌های چهار حوزه کلان اداره امور کشور شامل ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. تحقق این ظرفیت‌ها بدون توجه به رهیافت‌های سیاستی و هنجارهای حقوقی، موجب برخورد سلیقه‌ای، بخشی‌نگری، عدم اجرا یا نقض قانون اساسی خواهد شد، که در این صورت ظرفیت قانون اساسی مغفول مانده و موجبات عدم توجه به آن ظرفیت فراهم می‌شود، در نتیجه هدف مورد نظر از پیش‌بینی ظرفیت مورد نظر محقق نخواهد شد.

اگرچه ظرفیت‌های فرهنگی قانون اساسی همانند ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قانون اساسی متمایز و واضح نیستند، اما تعریف حوزه فرهنگ براساس رویه‌ها و عرف قانون‌گذاری و نیز محدود کردن مفهوم ظرفیت‌های معطل مانده به مواردی که فاقد قانونی اثربخش و کارا هستند، امکان بیشتری جهت احصای ظرفیت‌های معطل مانده قانون اساسی در حوزه فرهنگ فراهم می‌سازد، در نتیجه به‌نظر می‌رسد موارد ذیل از جمله این ظرفیت‌ها به‌حساب می‌آیند:

۱. مقدمه قانون اساسی.

۱. وسایل ارتباط جمعی

در مقدمه قانون اساسی آمده است: وسایل ارتباط جمعی (رادیو - تلویزیون) باید در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی جداً پرهیز کند.

همچنین براساس بند «۲» اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف به «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر» است.

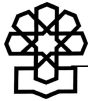
مقوله رسانه‌ها یا وسایل ارتباط جمعی را می‌توان به دو بخش کلی صدا و سیما و مطبوعات تقسیم کرد:

الف) صدا و سیما

در اجرای اصل ۱۷۵ قانون اساسی براساس مصوبه مورخ ۱۳۵۹/۱۰/۸ مجلس شورای اسلامی، سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نهادی مستقل که به‌طور مستقیم زیرنظر قوای سه‌گانه اداره می‌شود، به‌وجود آمد (قانون اداره صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران).

قانون مصوب مجلس شورای اسلامی به تاریخ ۱۳۶۱/۴/۱۷ مشتمل بر یک مقدمه و ۹ فصل و ۶۵ ماده، خط‌مشی کلی و اصول برنامه‌ریزی سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران را مشخص کرده است.

در پی اجرای قانون خط‌مشی کلی و اصول برنامه‌ریزی سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، اساسنامه این سازمان در ۶ فصل و مشتمل بر ۳۰ ماده در تاریخ





۱۳۶۲/۷/۲۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در تاریخ ۱۳۶۲/۸/۳ به تأیید شورای نگهبان رسید.

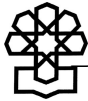
پس از اصلاحات مورخه ۱۳۶۸/۵/۶ قانون اساسی و تغییرات اساسی که از حیث مدیریت سازمان از شورای سرپرستی و مدیرعاملی به ریاست سازمان صورت گرفت عملاً قوانین مربوط به اداره و اساسنامه سازمان متروک شد. لذا ذیل اصل مذکور که اشعار می‌دارد: «خطمشی، ترتیب اداره و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند»، الزام صریحی است که تاکنون مسکوت مانده است.

ب) مطبوعات

نهاد مطبوعات در اصل سوم تحت عنوان دومین مورد از وظایف دولت اسلامی به شرح زیر بیان شده است: «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر»؛ در اصل پانزدهم نیز به نهاد مطبوعات اشاره شده و استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی مورد تأکید قرار گرفته است. این نکته می‌تواند به معنای توسعه مطبوعات کشور تفسیر شود.^۱ با وجود این، قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ و بازنگری سال ۱۳۶۸ در یک مورد دیگر به نهاد مطبوعات با جدیت بیشتر پرداخته است.

اصل ۲۴ - به موجب این اصل، نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند و در ایفای وظایف فرهنگی و... خود استقلال دارند و با استثنای «مگر آنکه مخل به مبانی اسلام و یا حقوق عمومی باشد» به خط قرمز مطبوعات و لزوم کنترل صحیح مطبوعات تأکید شده است.

۱. عباسعلی عمید زنجانی، حقوق اساسی ایران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، ص ۵۴۶.



طبق ارجاع اصل ۲۴ به قانون عادی، قانون مطبوعات در ۱۳۶۴/۱۲/۲۲ به تصویب مجلس رسید و سرانجام قانون مطبوعات در دفعات دیگر به ترتیب در سال‌های ۱۳۶۹، ۱۳۷۷ و ۱۳۷۹ تغییر و اصلاح پذیرفته است. لکن همچنان ایرادات متعددی بر آن وارد است.^۱

همچنین در اصل ۲۴ قانون اساسی به نشریات اشاره شده است، «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند».

با توجه به رشد فناوری‌های نوین و ارتباطات الکترونیک در کشور، نشریات الکترونیکی رواج یافته است. براین اساس در تاریخ ۱۳۷۹/۱۱/۳۰ تبصره «۳» به ماده (۱) قانون مطبوعات اضافه شده و تصریح می‌کند: کلیه نشریات الکترونیکی مشمول مواد این قانون است.

البته در این تبصره به کارکرد و خصلت رسانه‌های نوین بی‌توجهی شده است چراکه تسری دادن قانون سنتی مطبوعات به فضای سایبر چندان مناسب نیست. چراکه رسانه‌های کاغذی و دیجیتال از حیث نظام تولید، توزیع و ساختار مسئولیت حقوقی با هم تفاوت‌های اساسی دارند و نیز عدم ارائه تعریفی جامع و مانع از نشریات الکترونیکی از جمله این اشکالات است.

۱. نک. به: محسن اسماعیلی، تحلیل و نقد قانون مطبوعات و پیشنهادهای اصلاحی، آذر ۱۳۷۸، مرکز پژوهش‌های مجلس و نیز سیدمحمد هاشمی، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، میزان، ص ۳۷۷-۳۷۹.



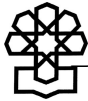
۲. مالکیت فکری افراد

حق تکثیر یا تألیف که در جای خود یکی از معضلات عرصه فرهنگ کشور است و مدام شاهد انواع و اقسام تخلفات و سرقت‌های علمی در این حیطه هستیم، تلویحاً در اصول بیست‌ودوم و چهل‌وششم قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفته است. در اصل بیست‌ودوم، مصون بودن مال افراد از تعرض و در اصل چهل‌وششم مالکیت افراد نسبت به حاصل کسب‌وکار مشروع خویش را می‌توان به‌گونه‌ای حاکی از توجه به حقوق فوق دانست.

بی‌توجهی به این حقوق و روشن نبودن نظام ملی حق مؤلف در ایران می‌تواند آثار سوئی بر خلاقیت‌های فکری - فرهنگی در حوزه‌های مختلف آثار نوشتاری، موسیقایی، سینمایی، رادیو - تلویزیونی، علمی و تکنولوژیک داشته باشد. هرچند مشکل شرعی بودن این حقوق لااقل درباره مؤلفین و مصنفین داخل کشور مرتفع شده است^۱ و نیز قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، مصوب ۱۳۴۸ در این زمینه راهگشاست، لکن این موضوع به‌طور جدی در دستور کار قرار نگرفته است.

قابل ذکر است که در کنار بی‌توجهی مقامات نسبت به این قوانین و عدم آگاهی یا پرهیزنه بودن پیگیری تخلفات برای صاحبان اثر، نزدیک به سه دهه است که با توجه به تحولات تکنولوژیک در حوزه خلق و استفاده از آثار فکری - فرهنگی هنوز اصلاحاتی در این قانون صورت نگرفته است.

۱. نظریه مقام معظم رهبری در پاسخ به نامه استفساری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت (سیدمصطفی میرسلیم) در تاریخ ۱۳۷۳/۹/۲۱ به شماره ۱/۴۱۵۷/۹/۵۴۴۳ تصریح می‌کند: «حق‌التألیف درباره مؤلفین و مصنفین داخل کشور امری منطقی و شرعی است. لکن انعقاد قرارداد متقابل این حق (کپی رایت) با کشورهای دیگر در حال حاضر مفید و به مصلحت نمی‌دانم، بلکه به ضرر و خلاف می‌دانم».



البته تلاش‌هایی درخصوص رفع کاستی‌ها و نارسایی‌های قوانین مرتبط^۱ با این موضوع در دولت‌های گذشته صورت گرفته که منجر به تدوین دو پیش‌نویس با عنوان «لایحه قانون جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط» در دولت‌های هشتم و نهم شده، لکن هیچ‌یک به نتیجه نرسیده است.

۳. خانواده

اصل دهم قانون اساسی تصریح می‌کند، از آنجا که خانواده، واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

در این خصوص نیز می‌توان به بند «ب» ماده (۱۱۱) قانون برنامه چهارم توسعه اشاره کرد، که دولت را موظف به تنظیم و ارائه لوایح مربوط به تحکیم نهاد خانواده جهت تصویب در مراجع ذی‌صلاح کرده است.

اصل فوق سه زمینه را به‌منظور جهت‌گیری قوانین و مقررات مربوط به خانواده برجسته ساخته:

۱. آسان کردن تشکیل خانواده،

۱. قوانین ذیل مستقیماً به موضوع مالکیت فکری مرتبط‌اند:

- قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸.
- قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲.
- قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹.
- و ماده (۶۲) قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷.



۲. پاسداری از قداست آن،

۳. استواری روابط خانوادگی.

درخصوص محور نخست می‌توان به تصویب قانون تسهیل ازدواج جوانان اشاره کرد، لکن هنوز آیین‌نامه اجرایی آن به تصویب نرسیده است.

درخصوص محور سوم یعنی استواری روابط خانوادگی نیز می‌توان به لایحه حمایت خانواده اشاره کرد، اما پاسداری از قداست خانواده ظرفیت مغفول مانده قانون اساسی در حوزه فرهنگ است.

این اصل مسئله خانواده را از سطح روابط فردی و گروهی فراتر برده و به شکلی با همه جوانب فکری - اجتماعی و اخلاقی جامعه و جوانان مرتبط دانسته است. این مطلب در مقدمه قانون اساسی نیز مورد تأکید واقع شده است.^۱

مطابق اصل بیست‌ویکم قانون اساسی دولت موظف به ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده است. به این منظور با لحاظ برخی کاستی‌ها و نواقص در قوانین موجود و عدم تطبیق آنها با واقعیت روز و برای کاهش یا مرتفع کردن مشکلات عدیده موجود در قواعد حقوق خانواده و رفع ابهام، تعارض و خلأ قوانین و مقررات کنونی خانواده، لایحه حمایت خانواده ارائه شد، که موضوعاتی از جمله دادگاه خانواده، مراکز مشاوره خانواده، ازدواج اعم از دائم و موقت، طلاق و انواع آن، حضانت و نگهداری اطفال، نفقه و مقررات کیفری را دربر دارد. لکن تاکنون به نتیجه‌ای نرسیده است.

۱. مقدمه قانون اساسی: خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است.

۴. جایگاه زن

«زن در قانون اساسی» عنوان یکی از قسمت‌های مقدمه آن است که اشعار می‌دارد: در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه‌جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود....

زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت (شیء بودن) یا (ابزار کار بودن) در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن باز یافتن وظیفه خطیر و پراج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیشاهنگ و خود هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات است و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.

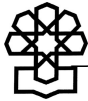
بند «۱۴» اصل سوم قانون اساسی نیز دولت را مکلف به «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون» کرده است.

اصل بیست‌ویکم قانون اساسی نیز به صورت مستقیم به موضوع حقوق زنان مربوط است.

مطابق این اصل دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند و امور زیر را انجام دهد:

- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و

معنوی او.





سایر بندهای این اصل به حقوق اجتماعی زنان اشاره دارد. لکن چنانچه مقدمه قانون اساسی و بند اول اصل بیست و یکم را مدنظر قرار دهیم، می‌توان ملاحظات فرهنگی حقوق زنان را برجسته ساخت.

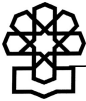
در برخورد نخست با حقوق زنان بیش از حقوق فرهنگی زنان، حقوق اجتماعی آنان از قبیل، حمایت‌های بیمه‌ای، درمانی و امثال آن طرح می‌شود و از حقوق فرهنگی غفلت می‌شود. به‌صورت بارز می‌توان به زمینه‌های فرهنگی زنان خانه‌دار در جامعه ایران اشاره کرد و در این باره بعد نظارتی مجلس شورای اسلامی در زمینه ایجاد زمینه مساعد برای رشد شخصیت و احیای حقوق مادی و معنوی ایشان را متذکر شد.

۵. تربیت بدنی

فراهم کردن تربیت بدنی رایگان برای همه طبق بند «۳» اصل ۳ قانون اساسی وظیفه دولت است و طبق پاسخی که ریاست سازمان تربیت بدنی وقت به استعلام هیئت پیگیری و نظارت بر قانون اساسی داده است.^۱ ضمن ابراز تمایل و اشتیاق برای اجرای کامل این بند از قانون اساسی از عدم اجرای آن و وجود مشکلات مالی دولت و نبودن قانون مصوب مجلس در زمینه تسهیل اجرای آن سخن رفته است.

در ادامه آمده است: «ایجاد و تدوین قوانین مربوط به اجاره اماکن ورزشی به‌منظور کسب درآمد، مؤید و مبین این مشکلات است. ضمن اینکه تاکنون مجلس محترم شورای اسلامی نیز نسبت به بند «۳» اصل ۳ قانون اساسی و تدوین قوانین و مقررات و پیش‌بینی ابزارهای لازم و حدود و ثغور آن در رابطه با تربیت بدنی رایگان

۱. نامه شماره ۴۲۹۹/م/ مورخ ۱۳۷۸/۶/۱۴ خطاب به رئیس هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی.



برای همه نیز مصوبه‌ای نداشته است».

مجدداً در تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۷ رئیس سازمان تربیت بدنی وقت طی نامه شماره ۱۰۳۹۶ خطاب به رئیس هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی تصریح می‌کند: «تاکنون مجلس محترم شورای اسلامی نیز درخصوص بند «۳» اصل ۳ قانون اساسی و تدوین قوانین و مقررات و پیش‌بینی ابزارهای لازم برای تحقق آن مصوبه‌ای نداشته است».

۶. حریم خصوصی افراد

قانون‌گذاری درخصوص احترام به حریم خصوصی افراد نیز از جمله ظرفیت‌های فرهنگی قانون اساسی است که اگرچه به‌صورت صریح در قانون اساسی به آن پرداخته نشده لکن در اصول ۲۲ و ۲۵ قانون اساسی به مصادیق آن اشاره شده است.

اصل ۲۲ - حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل ۲۵ - بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون.

همچنین در اصل ۲۳ تفتیش عقاید ممنوع شده و بالاخره آنکه در اصل ۳۹، هتک حرمت و حیثیت اشخاصی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده‌اند و به هر صورت که باشد ممنوع شناخته شده است.

درخصوص تبیین نحوه اجرای اصول فوق در قوانین مصوب مجلس شورای

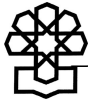


اسلامی اگرچه به صراحت از حریم خصوصی نام نبرده‌اند، اما احکامی که در آنها پیش‌بینی شده با حمایت از حریم خصوصی ارتباط دارد. برای مثال مواد (۵۸۰) و (۵۸۲) قانون مجازات اسلامی برای ورود غیرقانونی مستخدمین و مأمورین قضایی و غیرقضایی دولت به منزل اشخاص و برای مفتوح، توقیف، معدوم، بازرسی و ضبط مراسلات یا استراق سمع مکالمات تلفنی اشخاص مجازات تعیین کرده است. فصل سوم قانون آیین دادرسی کیفری نیز تحت عنوان «تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و کشف آلات و ادوات جرم» مقرراتی را در مورد حریم خصوصی منازل و اماکن اشخاص پیش‌بینی کرده است. بند «ه» ماده (۱۳۰) قانون برنامه چهارم توسعه نیز قوه قضائیه را موظف به تهیه «لایحه حفظ و ارتقای حقوق شهروندی و حمایت از حریم خصوصی افراد در راستای اجرای اصل ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» کرده است.

مطابق بند «و» ماده (۱۰۰) قانون برنامه چهارم توسعه نیز دولت به تنظیم منشور حقوق شهروندی که متضمن حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد باشد، مکلف شده است.

قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی نیز قانون دیگری است، که مخاطب این قانون کلیه محاکم دادرها و ضابطان قوه قضائیه است؛ ولی هیچ اشاره‌ای به سایر حوزه‌های مرتبط با حریم خصوصی افراد ننموده است.

دولت هشتم در سال ۱۳۸۴ لایحه حمایت از حریم خصوصی را به مجلس تقدیم کرد، اما از آنجا که بررسی این لایحه هم‌زمان با اتمام دوره تصدی دولت سابق و مقارن با روی کار آمدن دولت جدید بود، لایحه توسط دولت پس گرفته شد. این امر موجب شد تا نظر به اهمیت موضوع حریم خصوصی، عده‌ای از نمایندگان مجلس،



لایحه حمایت از حریم خصوصی را عیناً در قالب طرح مطرح کنند. لکن هنوز به نتیجه نرسیده است.

کاستی‌ها و خلأهای قوانین پراکنده موجود در حمایت از حریم خصوصی افراد
که در ذیل به آنها اشاره می‌شود ضرورت قانون‌گذاری در این زمینه را دو چندان می‌سازد:

۱. مفهوم حریم خصوصی و نحوه تفکیک آن از حوزه عمومی در قوانین و مقررات فعلی تعریف و شناسایی نشده است. قوانین موجود صرفاً به نحو تلویحی به برخی از مصادیق حریم خصوصی اشاره کرده‌اند، ولی قاعده یا ملاک خاصی برای شناسایی مصادیق مختلف حریم خصوصی مشخص نکرده‌اند.

۲. در قوانین و مقررات فعلی کشور در مورد برخی از مهم‌ترین مصادیق حریم خصوصی هیچ‌گونه حمایتی وجود ندارد. برای مثال حمایت از حریم جسمانی افراد، حریم خصوصی افراد در محل کار، حمایت از افراد در فعالیت‌های رسانه‌ای و نیز حمایت از اطلاعات شخصی افراد در دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی از جمله مصادیقی هستند که حکم مشخصی برای حمایت از آنها در قوانین فعلی وجود ندارد.

۷. هیئت منصفه

اگرچه هیئت منصفه بدو یکی از ظرفیت‌های قضایی قانون اساسی است و جزئی از نظام حقوقی محسوب می‌شود. لکن به دلیل ارتباط تنگاتنگ و مؤثر با آزادی نشریات و مطبوعات از منظر فرهنگی یک ظرفیت معطل مانده محسوب می‌شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی با اولین لایحه قانون مطبوعات مصوب شورای انقلاب، حضور هیئت

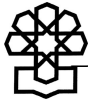


منصفه در رسیدگی به اتهامات مطبوعاتی به رسمیت شناخته شد و با اصل ۱۶۸ قانون اساسی ورود هیئت منصفه به محاکمات مطبوعاتی به یک الزام تبدیل شد. بر مبنای آن، قوانین مطبوعاتی سال ۱۳۶۴ و اصلاحیه آن در سال ۱۳۷۹ تصویب شد و هیئت منصفه پیش‌بینی گردید که تنها ناظر به جرائم مطبوعاتی بود. در سال ۱۳۸۲ و در پایان مجلس ششم سعی شد قانونی جامع درباره هیئت منصفه به تصویب برسد.^۱ لکن با توجه به برخی پیچیدگی‌ها «قانون هیئت منصفه» به گونه‌ای تصویب شد که متضمن برخی اشکالات اجرایی بود.

از جمله اشکالات اجرایی این مصوبه، عدم تعیین منابع مالی برای انتخابات و تشکیل هیئت‌های منصفه و احاله منابع مالی دبیرخانه هیئت منصفه به هدایای مردمی بود.^۲ این نقیصه باعث شد که در سال ۱۳۸۳ این قانون بلا اجرا بماند و دادگاه‌ها حتی با این استدلال از رسیدگی به جرائم مطبوعاتی خودداری کردند. در سال ۱۳۸۴ مجلس هفتم با استناد به عدم قابلیت اجرای قانون سال ۱۳۸۲، قانون فعال کردن هیئت منصفه مطبوعات را تصویب کرد و در واقع مقررات سال ۱۳۷۹ را برای مدت یک سال قابل اجرا کرد. پس از انقضای مدت یک سال مصوبه سال ۱۳۸۴ مجدداً برای مدت دو سال یعنی تا تاریخ ۱۳۸۷/۵/۹ تمدید اعتبار شد. در این تاریخ دولت با ارائه لایحه تمدید قانون فعال کردن هیئت منصفه مطبوعات برای جلوگیری از تعطیلی اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، عین مصوبه سال ۱۳۸۴ را به مدت دو سال

۱. مجلس شورای اسلامی (بر اساس ماده (۱۴)) قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ مقررات سال ۱۳۷۹ را نسخ کرد.

۲. ماده (۸) قانون هیئت منصفه اشعار می‌داشت، دبیرخانه هیئت منصفه زیر نظر هیئت منصفه انجام وظیفه می‌کند و بودجه آن از محل کمک‌های اهدایی تأمین خواهد شد.



دیگر تمدید نمود. استدلال دولت در این خصوص عبارت بود از: لزوم بازنگری در قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۸۲ و فراهم کردن زمینه اجرای آن از جمله تأمین منابع مالی جهت جلوگیری از تعطیلی اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور ایجاد فرصت مناسب جهت رفع نواقص و اصلاح قانون یاد شده، در نهایت این لایحه به تصویب مجلس نرسید و مقرر شد به طور کامل قانون هیئت منصفه سال ۱۳۷۹ اجرا گردد، از سوی دیگر این قانون نیز به دلیل اشکالات عدیده اثربخشی و کارایی لازم را ندارد، لذا ضروری است با قانون‌گذاری مناسب این ظرفیت قانون اساسی به طور کامل محقق گردد.

۸. میراث فرهنگی

اماکن و ابنیه و به طور کلی آثار ملی، جزء تاریخ هر قومی محسوب شده و می‌باید از تعدی افراد و گزند حوادث حفظ شوند که وظیفه حفظ و حراست آثار ملی بر عهده حکومت است و حکومت‌ها باید پاسدار سنن و تاریخ قوم خویش باشند.

در سال ۱۳۰۹ اولین قانون مربوط به حفاظت از آثار ملی به نام «قانون راجع به حفظ آثار ملی» به تصویب رسید. از آن زمان به بعد همواره نظر مقنن بر این بوده که آثار ملی حراست شده و از خروج آن به خارج کشور جلوگیری شود.

اصل ۸۳ قانون اساسی نیز در این زمینه تصریح می‌کند: «بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی باشد قابل انتقال به غیر نیست، مگر با تصویب مجلس شورای اسلامی، آن هم در صورتی که از نفایس منحصر به فرد نباشد». مسائلی در این اصل وجود دارد که باید زیربنای قانون‌گذاری آینده قرار گیرد از جمله تعیین تکلیف اشیایی که در



مالکیت شخصی افراد قرار دارد، از طرفی شورای نگهبان طی نظریه مورخ ۱۳۶۱/۷/۱۷ شمول قانون حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ را نسبت به املاک شخصی مغایر شرع اعلام کرده است. این موضوع و نیز سایر کاستی‌ها و نارسایی‌هایی که در مورد این قانون به‌عنوان قانون مادر وجود دارد.^۱ ضرورت مطالعه و بازبینی قانون حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ را مضاعف می‌سازد.

۹. امر به معروف و نهی از منکر

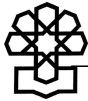
اصل هشتم قانون اساسی در شکل جامع و مانع، ضرورت فریضه امر به معروف و نهی از منکر را برای همه سطوح جامعه از مسئولین عالی تا مردم عادی در شکلی برابر و بدون استثنا تعریف کرده و هم‌زمان ضرورت تدوین قانونی مناسب برای اجرای آنها پیش‌بینی کرده است؛ اما در ۳۰ سال گذشته قانون مذکور تدوین نشده و در نتیجه شاهد ایجاد ساختارهای موازی، مقررات موردی و بدون پشتوانه قانونی، رفتارهای سلیقه‌ای و حتی آزمون و خطاهای مکرر بوده‌ایم که موجب درک نادرست مردم و مسئولین از مفهوم واقعی و نیت اصلی قانون‌گذار (تبعیت از شارع مقدس) از این اصل بوده است.

اصل هشتم با دقت در ماهیت امر به معروف و نهی از منکر، امکان اجرای این فرایض مهم را در طراحی یک الگوی عمل سه وجهی پیش‌بینی کرده است. یعنی وجه امر به معروف و نهی از منکر «مردم نسبت به مردم»، وجه «دولت نسبت به مردم» و

۱. برخی از کاستی‌ها و نارسایی‌های این قانون عبارت است از:

- عدم صراحت قانون در تعیین مسئولیت و تکالیف اشخاص حقوقی در برابر آثار ملی،

- خصوصی دانستن جرائم علیه آثار فرهنگی - تاریخی.



وجه «مردم نسبت به دولت». اصل هشتم اجرای این فریضه را در صورتی کامل و قابل اجرا می‌داند که در آن یک جریان عمل سه‌وجهی اتفاق بیفتد، چنانچه فقط بر یک وجه از وجوه سه‌گانه طرح شده در اصل هشتم پافشاری کنیم؛ نتیجه اجرای این اصل باز هم ما را به هدف شارع مقدس و به تبع آن، هدف قانون‌گذار نظام اسلامی یعنی (اشاعه خیر در جامعه) از تصویب چنین اصلی نزدیک نمی‌کند.

با توجه به گستردگی دایره مصادیق امر به معروف و نهی از منکر و همچنین تعدد گروه‌های آمر و ناهی و مخاطبین امر به معروف و نهی از منکر، ضروری است تا مطابق با دسته‌بندی اصل یادشده، مجموعه قوانینی تهیه شود که در آن حقوق و تکالیف هر دسته تعیین شود، اما از آنجا که تاکنون اقدامی در این جهت صورت نگرفته، طی سال‌های گذشته توفیق چندانی درخصوص بهترین شیوه اجرای اصل هشتم یافت نشده است. شاهد این ادعا اینکه نه تنها هنوز قانونی برای اجرایی شدن این اصل تدوین نشده است، بلکه دست‌اندرکاران نیز عملکرد یکسانی در این خصوص ندارند و این خود به‌دلیل آن است که آنها معنای واحدی از مفهوم این فریضه درنیافته‌اند.

هرچند در محتوای برخی قوانین مربوط، امکان امر به معروف و نهی از منکر مسئولین و مدیران دولت و حتی حکومت وجود دارد، ولی در عمل این قوانین متروک مانده‌اند. تدوین طرح‌هایی برای حمایت لازم از راهکارهای پیش‌بینی شده در قانون اساسی در قوانین موضوعه (مثل استفاده از رسانه‌ها، مطبوعات، راهپیمایی‌ها و ...) امکان اجرایی شدن «وجه مردم نسبت به دولت» در اصل هشتم را ایجاد می‌کند. از آنجا که این امر با موانع فراوانی مواجه است، لازمه عملیاتی شدن آن تصویب برخی قوانین زمینه‌ساز از جمله قانون آزادی اطلاعات، قانون تعیین جرم سیاسی، قانون



مبارزه با انحصار اقتصادی، قانون حمایت از مطبوعات و غیره خواهد بود.

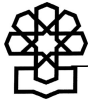
در گزارش موارد عدم اجرای قانون اساسی که توسط هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی تهیه شده، نیز اصل هشتم قانون اساسی از موارد عدم اجرا ذکر شده است و تصریح می‌کند: برای اینکه اصل فوق به‌درستی اجرا شود قانون عادی برای تعیین شرایط، حدود و کیفیت اجرای آن لازم است که تاکنون چنین قانونی تصویب نشده است، البته تشکیلاتی به‌نام «ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر» فعالیت دارد، ولی قانون مصوب مجلس که حدود و نحوه فعالیت آن را مشخص کند در دست نیست، به‌علاوه این تشکیلات عملاً و درواقع یک وجه از اصل هشتم که همان اقدامات دولت و حکومت باشد را انجام می‌دهد و اجرای دو وجه دیگر آن به‌خصوص امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به دولت، برنامه اجرا ندارد.^۱

نتیجه‌گیری

منظور از ظرفیت‌های معطل مانده قانون اساسی در حوزه فرهنگ، اصل یا اصول مرتبطی است که به‌لحاظ عرف دستگاه قانون‌گذاری در حیطه وظایف کمیسیون فرهنگی قرار دارد، لکن «فاقد قوانین اثربخش (جهت رسیدن به هدف) و کارا (به‌لحاظ هزینه - فایده)» است.

براساس مقدمه و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌نظر می‌رسد مواردی که در ذیل آمده است اهم ظرفیت‌های معطل مانده قانون اساسی در حوزه فرهنگ

۱. حسین مهرپور، وظیفه دشوار نظارت بر اجرای قانون اساسی (۱۳۷۶-۱۳۸۴)، ثالث، ۱۳۸۴، ص ۷۹۲.



محسوب می‌شوند و لازم است قانون‌گذاران به این موارد عنایت بیشتری داشته باشند:

درخصوص وسایل ارتباط جمعی به‌طور مشخص اصل یکصد و هفتاد و پنجم به موضوع صدا و سیما اختصاص یافته و تصریح می‌کند که خط‌مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند. ولی پس از تغییرات اساسی که از حیث مدیریت سازمان از شورای سرپرستی و مدیرعاملی به ریاست سازمان صورت گرفت، قوانین مربوطه متروک شده و این ظرفیت معطل مانده است.

اصل بیست و چهارم نیز به نشریات و مطبوعات اختصاص یافته و تفصیل آزادی و خطوط قرمز و نحوه عمل آن را به قانون ارجاع داده، لکن قوانین موجود اثربخشی و کارایی لازم را ندارند.

در مورد احترام به مالکیت فکری افراد، اصل بیست و دوم با عبارت مال، حقوق و اصل چهل و ششم با عبارت هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است تلویحاً به حقوق مربوط به مالکیت فکری اشاره کرده است ولی این ظرفیت نیز تاکنون محقق نشده است.

اصل دهم و نیز بند سوم اصل بیست و یکم قانون اساسی به ظرفیت فرهنگی خانواده پرداخته و آن را مورد اهتمام قرار داده است، لکن این ظرفیت نیز به‌طور کامل تحقق نیافته است.

اصل دهم دربرگیرنده سه جنبه یعنی آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی است که همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در این جهات باشد.

اصل بیست و یکم قانون اساسی مشخصاً متضمن حقوق زنان است؛ لکن به‌جز بند



اول آن، بقیه موارد بیشتر به حقوق اجتماعی زنان پرداخته است. در مجموع، مقدمه قانون اساسی ذیل عنوان «زن در قانون اساسی» و بند اول اصل بیست و یکم به بازیابی جایگاه فرهنگی زنان اختصاص دارد، لکن در مورد حقوق فرهنگی زنان قوانین و مقررات لازم وجود ندارد.

بند سوم اصل سوم قانون اساسی به تربیت بدنی رایگان برای همه اختصاص دارد که تاکنون هیچ قانونی در این خصوص تصویب نشده است.

رعایت حریم خصوصی افراد مصداقاً در اصول بیست و دوم، بیست و سوم و بیست و پنجم قانون اساسی مورد اشاره واقع شده و مطابق اصول فوق تعیین حدود مرز حریم خصوصی به قوانین عادی ارجاع شده، ولی تاکنون چنین قانونی نیز به تصویب نرسیده است.

مطابق اصل یکصد و شصت و هشتم نیز نحوه انتخاب، شرایط و اختیارات هیئت منصفه را قانون براساس موازین اسلامی معین می‌کند. لکن در این خصوص قانون جامعی که اهداف قانون اساسی را تأمین کند به مرحله اجرا درنیامده است.

اصل هشتاد و سوم نیز دربرگیرنده مفاهیم نفایس ملی و نفایس منحصر به فرد است که در تعیین مسئولیت و تکالیف اشخاص حقوقی و نحوه جرم‌انگاری در این حوزه می‌باید قانون‌گذاری صورت گیرد.

و در نهایت مطابق اصل هشتم، شرایط، حدود و کیفیت امر به معروف و نهی از منکر براساس الگوی عمل سه‌وجهی یعنی الگوی همگانی و متقابل مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت پیش‌بینی شده و این امر تاکنون محقق نشده است.

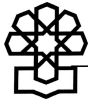
منابع و مآخذ

الف) کتب

۱. افروغ، عماد. هویت ایرانی و حقوق فرهنگی، سوره مهر، ۱۳۸۷.
۲. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۲۱.
۳. صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸.
۴. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴.
۵. امید زنجانی، عباسعلی. حقوق اساسی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۶. مجموعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، ۱۳۸۶.
۷. مهرپور، حسین. وظیفه دشوار نظارت بر اجرای قانون اساسی (۱۳۷۶-۱۳۸۴)، نشر ثالث، ۱۳۸۴.
۸. نوری، اعظم. مجموعه قوانین و مقررات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵.
۹. هاشمی، سیدمحمد. حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، نشر میزان، ۱۳۸۴.

ب) مقالات

۱. اسماعیلی، محسن. تحلیل و نقد قانون مطبوعات و پیشنهاد اصلاحی، مرکز پژوهش‌های مجلس، آذر ۱۳۷۸.
۲. هاشم‌زاده هریسی، درآمدی بر مسئله نقض و عدم اجرای قانون اساسی، حقوق اساسی، سال دوم، زمستان ۱۳۸۳، ص ۳۱۰-۳۲۴.





شماره مسلسل: ۹۶۱۴

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: درآمدی بر ظرفیت‌های معطل مانده قانون اساسی در حوزه فرهنگ

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه هنر و رسانه)

تهیه و تدوین: سیدعلی حسینیان

ناظر علمی: حسین رضی

مقتضی: جهانبخش محبی‌نیا (نماینده مجلس شورای اسلامی)

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آنها:

۱. قانون اساسی (Constitution)

۲. فرهنگ (Culture)

۳. حقوق فرهنگ (Cultural Law)

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۲/۶